

شهری فعالیت می‌کنند، بپذیرند ما نیازمند آن هستیم که فضاهای اوقات فراغت و جریان‌های اوقات فراغت را در شهر شکل دهی کنیم.

نکته بعدی نقش شهر مشهد است که من هنوز روی نقش زیارتی شهر مشهد بحث جدی دارم، معتقدم مشهد یک شهر زیارتی به مفهوم خاص آن در حوزه شهرسازی نیست، ما شهری را می‌گوییم نقش غالب دارد که حداقل بین ۵۰ تا ۷۵ درصد شاغلان آن شهر به فعالیت خاصی مشغول به کار باشند.

**آیا باید در مورد تفریحات و سرگرمی بین زائر و شهروند تفکیک قائل شد؟**

**صالحی فرد:** معتقدم بحث گذران اوقات فراغت در هر قالبی که بناست

علی‌القاعده می‌بایستی در این سفر زیارتی کارهایی که به این زیارت لطمه وارد می‌کند را انجام ندهد.

تفاوتی که زائر با گردشگر مذهبی دارد این است که گردشگر تابع اوقات فراغت است اما زائر نیست. بنابراین در بحث زیارت اصلاً بحث فراغت نداریم. اما از طرف دیگر همه مسافرانی که به مشهد می‌آیند زائرانی نیستند فقط برای زیارت حضرت رضا(ع) آمده باشند و قصدشان صرفاً زیارت باشد. تعداد کسانی که فقط برای زیارت به مشهد بیایند کم است و با روند جهانی شدن نیز از تعداد آن‌ها کم می‌شود، ما بیشتر بحث گردشگر مذهبی را داریم که آن هم تابع اوقات فراغت است. ما باید جاذبه‌هایی که با موضوعات مذهبی سنخیت دارند را بیشتر کنیم.

صورت مسئله در واقع نگاه به مشهد به عنوان یک کلانشهر یا جهان شهر و به تعبیری چشم انداز فرهنگی است، با این نگاه زیارت یکی از ویژگی‌های مساعد برای این قضیه است.

**اوقات فراغت جزئی از زندگی است اما چه رابطه‌ای با جایگاه معنوی شهر مشهد باید داشته باشد؟**

**سپهیلی:** ببینید شاید لازم نباشد که ما یک رویکردی جداگانه در نظر بگیریم، عرض من این است که شما باید چشم اندازی را در نظر بگیرید و آن این است که شهر مشهد با همه ویژگی‌ها و ابعاد یک شهر معنوی و فرهنگی است؛ آن وقت ما دیگر دغدغه‌ای نداریم که آیا تک تک عناصری که در شهر به کار گرفته شده زیارتی هست یا خیر، با



انجام شود، بخشی از آن برمی‌گردد به تغییراتی که در ساختارهای شهری رخ می‌دهد. نمی‌توانیم یک فضای کاملاً بسته‌ای در حوزه اوقات فراغت برای شهروندان ایجاد کنیم و بگوییم همیشه باید تابع همین شرایط باشند. ما باید هوشمندانه بحث گذران اوقات فراغت را پیگیری کنیم، به هر حال ما ویژگی‌های خاصی همچون ارزش‌های معنوی و قداست را برای شهر مشهد قائل هستیم اما نمی‌توانیم فضا را آنقدر ببندیم که احساس کنید در یک شهری هستید که باید فقط در همین مسیر حرکت کرد و هیچ کس حق ندارد تفریح دیگری داشته باشد.

**قاسمی:** مسئله این است که به چه صورت می‌توانیم بین موضوع اوقات فراغت و زیارت ارتباط برقرار کنیم. زائر کسی است که خالصانه سفر می‌کند و قصدش هم سفر الی الله است.

در بحث زیرساخت‌های گردشگری آن‌هایی را گسترش دهیم که از فضاهای معنوی بهره بیشتری دارند. در بحث اقامت و اسکان زائر برنامه ریزی انجام دهیم و سازکارهایی را برای واحد‌های اقامتی در نظر بگیریم که زمانی را که افراد در واحد اقامتی شان هستند، غنی‌سازی شود و با برنامه ریزی مناسب این کار صورت بگیرد.

**سپهیلی:** من با این تفکیک خیلی موافق نیستم، تفکیک شهروند و زائر به لحاظ واقعی وجود دارد ولی برای ما مطلوبیت ندارد، یعنی این گونه نیست که ما اساساً یک تقسیم‌بندی راهبردی بین زیارت و گردشگری یا بین زائر و شهروند داشته باشیم. واقعیت این است که به لحاظ مباحث اقتصادی، ممکن است شهر مشهد به عنوان یک شهر زیارتی، شهر اقتصادی محسوب نشود ولی اساساً صورت مسئله این نیست؛

فرض این که فراغت هم به عنوان یکی از اجزای سیستم کار خودش را انجام می‌دهد و برآیند سیستم کاملاً معنوی و فرهنگی است.

**آیا در حال حاضر وضعیت مشهد به این سمت پیش می‌رود؟**

**سپهیلی:** ما نه به فراغت به عنوان یک مقوله مستقل درست پرداختیم و نه یک برآیندی از سبک زندگی معنوی برای مشهد ارائه کردیم، در حال حاضر معایب هر دورا داریم.

**صالحی فرد:** وقتی درباره اوقات فراغت صحبت می‌کنید، لزوماً اوقات فراغت یک زمان طولانی نیست حالا چه در مورد شهروند و چه در مورد گردشگران. بحث این است که آیا شهروندان همان خدمات حوزه سیاحت، فراغت و تفریحات را نیاز دارند که زائران نیاز دارند؟ من می‌گویم اینگونه نیست.

**این مورد را که فرمودید می‌توانید با یک مثال تشریح کنید، واقعا چه تفاوتی بین نیاز یک شهروند زائر یا گردشگر وجود دارد؟**

**صالحی فرد:** شخصی در جایی بیشتر تمایل دارد خدمات تفریحی و گردشگری و اوقات فراغت را ببیند که به کانون زندگی و کسب و کارش نزدیک باشد، بنابراین نوع کارکردها کاملاً با هم متفاوت است و همچنین نوع هزینه کردن.

شاید شما تمایل نداشته باشید بابت یک سینمای ۵ بعدی هزینه کنید ولی برای یک گردشگر اگر جذابیت داشته باشد هزینه می‌کند.

**به مورد خوبی اشاره کردید، همین سینمای ۵ بعدی را دور از حرم مطهر مثلاً در مجموعه سپاد هم داریم و در یکی از پاساژهای کنار حرم مطهر هم راه‌اندازی کرده‌ایم در حالی که فیلم‌های این نوع سینماها معمولاً در ژانر ترسناک هستند. آیا این سینمای ۵ بعدی در اطراف حرم سنخیت مشخصی با حرم دارد؟**

**صالحی فرد:** چرا این اتفاق می‌افتد؟ زیرا این سینما به دنبال مخاطب خودش است، بخش خصوصی که در این قضیه دخیل است به منافع مالی‌اش فکر می‌کند و فکر می‌کند که اگر سینما را جای دیگری از شهر راه‌اندازی کند ممکن است آنقدر مخاطب نداشته باشد، در حالی که ممکن است در مکان پر رفت و آمد مردم در نوبت هم بیایستند. بحث اینجاست که ماهیت کارکردی این مسئله آن طور نیست که ما بگوییم در تضاد با زیارت است.

**صرفاً بحث تضاد نیست بلکه موضوع تناسب است و اینکه طبق گفته دوستان فعالیت مکمل زیارت باشد؟**

**صالحی فرد:** ما تعریف مشخصی از فعالیت‌های مکمل با حوزه زیارت نداریم که بگوییم اوقات فراغت در تناسب با آن هست یا نیست. به طور مشخص تعریف نکرده‌ایم که فعالیت‌های مکمل زیارت شامل چه مراسم‌ها و برنامه‌هایی هستند.

اگر شناخت کلی هم داشته باشیم باز هم به تفکیک ماهیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زائر نخواهد بود. در درجه اول ما باید تکلیف مان را با این داستان مشخص کنیم که ماهیت شهر مشهد چه باید باشد.

در حال حاضر چه مقدار اوقات فراغت ما با نیازها و مطالبات زائران در سطوح مختلف تناسب و سنخیت دارد، به یقین بدانید که یک گردشگر یا توریست